

هفتراه

h a f t r a h . i r

پایگاه خبری - تحلیلی فرهنگ و هنر

هفت نگاه در باره فیلم سیانور

عشق، مرگ، ایداولوژی

«سیانور» فیلم مهم و پر بحث این روزهای سینمای ایران است و به دلیل سوژه‌اش یکی از حساس‌ترین و چالش‌برانگیزترین آثار چندسال اخیر. فیلمی که به رغم تمجید کارشناسان و استقبال مردمی دستش از هر گونه جایزه‌ای در جشنواره‌های مختلف خالی ماند. در این هفت یادداشت و نظر کوتاه در مورد زوایای مختلف این فیلم از اهمیت موضوع تا فیلمنامه و کارگردانی و طراحی صحنه‌اش صحبت کرده‌ایم:

 haftrah.ir

 @haftrah

 haftrah

اگر اکثر اجزا و عناصر «سیانور» از فیلمنامه و فیلمبرداری تا تدوین و بازیگری، در سطحی بالاتر از حد متوسط و پایین تر از مختصات یک اثر درخشان و شاهکار قرار دارند، اما طراحی صحنه فیلم بدون شک از حد و اندازه‌های «خوب» و «قابل قبول بودن» فراتر رفته و به درگاه یک طراحی صحنه ماندگار نزدیک می‌شود. بدیهی و قطعی است که بازسازی فضای دهه ۵۰ در محیط‌های عمومی شهر تهران، عملاً غیرممکن است. بنابراین غیر از سکانس دستگیری وحید افرخته در محوطه‌ی مقابل پارک شهر، کارگردان فصول مختلف فیلمنامه را به محیط‌های بسته‌تر و کوچک‌تر کشانده است، تا از پس خلق اتمسفر مورد نیاز بر بیاید. طراح صحنه هم قدر این موقعیت مناسب را دانسته، و بعد از رفع خطر باگ‌های درشت محیطی (مثل عادت مرسوم تماشاگر ایرانی که موقع تماشای فیلم تاریخی مدام مراقب است که قبل از انقلاب، صندوق صدقات در خیابان نبیند!) سعی در چیدمان دقیق جزئیات در لوکیشن‌های محدود داشته است. از شیشه‌نوشته‌ها و فنجان‌های مغازه‌ی کندو تا آکسسوار محل اختفای تقی شهرام، و از تلویزیون خانگی امیر تا ضبط صوت ماموران ساواک، همه با دقت انتخاب و تهیه شده‌اند، در جای درستی استفاده می‌شوند، و مهم‌تر از همه، تلاشی برای به رخ کشیدن آنها در فیلم و تاکید و تمرکز روی آنها (شاید به منظور رفع خستگی طراح صحنه!) وجود نداشته است. اوج هنر طراح صحنه فیلم، در سکانس سینما به رخ کشیده می‌شود، و وقتی بدانیم که این طراحی صرفاً از روی عکس‌ها و فیلم‌های موجود صورت گرفته و ریشه در تجربه‌ی زیسته‌ی طراح نداشته است، ارزش کار او دو چندان به چشم می‌آید.

اعلی جعفرآبادی |

فضیلت‌های دیدنشان

۱

نقد فیلم |

قرار نیست فیلم حالت را خوب کند، قرار است در دنیای خودش غرق کند، مبهوت کند و دست آخر در فکر فرو رفته راهیت کند به دنیایی بین خیال و واقعیت. قرار است ناگهان خودت را بین سوسمارهای پوزه باریک سیستان ببینی و حول کنی و... تمام. همین. اشتباه نکنید با فیلمی ترسناک روبرو نیستید. سیانور روایتگر یکی از برگ‌های تاریخ معاصر ایران است که سالیان سال بی‌هیچ دلیلی ورق نخورده به کنار گذاشته شده بود. سیانور بهروز شعبی فیلمی تمام قد نیست و البته قرار نبوده که باشد. فیلمی خودمانی، آرام و البته مهم است که حداقل به یک بار دیدن می‌ارزد و دست آخر دست خالی مخاطب را بدرقه نمی‌کند. شعبی مثل همیشه سعی می‌کند روایتی تازه از اتفاقات را برای مخاطب به ارمغان بیاورد. روایت تازه گاهی در نوع نگاه و رویکرد به موضوعی تکراری تعریف می‌شود و گاهی مثل این بار در داستانی گفته نشده. این روایت تازه با بازی‌های روان و خودمانی بیش از پیش نتیجه را در کنار تمام اشکالاتش دوست داشتنی می‌کند. اتفاقی که در سینمای ایران در سال شاید چندباری بیشتر اتفاق نیفتد و هر فرصتی برای مخاطب غنیمتی حسابی است. از دیدن گاندها لذت ببرید.

هافتر

با گاندها طرفیم!

محسن دریا علی |

فیلم سینمایی «سیانور» از این جهت که انحراف سازمان مجاهدین خلق از دین اسلام را قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به تصویر کشیده، قابل تقدیر است و بسیاری از منتقدان و افراد سیاسی و خواص و نخبگان کشور هم بابت این موضوع از سازندگان «سیانور» تشکر کردند. اما موضوعی که قبل از به تصویر کشیدن انحراف سازمان مجاهدین اهمیت دارد، به تصویر کشیدن خود سازمان مجاهدین است! چرا که نسل جدید کشور و به خصوص نوجوانان دهه‌ی هشتادی، هنوز نمی‌دانند که سازمان مجاهدین همان سازمان منافقین است! آن‌ها نمی‌دانند سیانور چیست و چه کاربردی دارد؟ چون نه تصویری از منافقین دیدند و نه مطلبی در کتاب‌های درسی‌شان خواندند. شاید دلیل این ندیدن و نخواندن را بتوان از صحبت‌های تهیه‌کننده‌ی «سیانور» دریافت: «بزرگی به من گفت، بهتر است که اینکار را کنار بگذاری و وقتت را تلف نکنی، علت را جویا شدم، محکم گفتند: در مورد بهائیت و منافقین نمی‌شود کار کرد! شاکمی شدم! گفتیم: ما کار نکنیم پس چه کسی قرار است کار کند؟ فرمودند: اول که نمی‌گذارند کار کنی، بگذارند کار کنی باید کار بی‌خاصیت بسازی، بی‌خاصیت نسازی حذف می‌کنند! ظاهراً هنوز سمپات‌ها در سیستم بی‌قدرت نیستند و تأثیر گذارند، ظاهراً نسبت‌های فAMILI بعد از گذشت سال‌ها هنوز در رای و نظر افراد تعیین‌کننده‌اند.» با این اوصاف نسل جدید کشور ما حق دارد که اطلاعات چندانی از سازمان مجاهدین خلق نداشته باشد و «سیانور» برای این نسل بسیار اثرگذار خواهد بود. ای کاش «سیانور» بر روی تفکر مدیران هم تأثیر خودش را بگذارد. مدیرانی که اطرافیان‌شان هنوز هم به خاطر نسبت‌های فAMILI دل‌بستگی‌هایی به برخی افراد خاص دارند!

سیانور چیست!

| محمد رضا تاجداری |

۳۳

در سیانور برای اولین بار در سینمای ایران با فیلمی
قهرمان پرداز مواجهیم که قهرمان هایش - حتی در
خطاب خود فیلم - بچه مسلمان هایند و محوریت
کشمکش فیلم مقاومت و ایستادن بر اسلام. این
بزرگترین حسن فیلم وب سیانور است که قبل از هر
چیز از ایده و سپس فیلمنامه‌ی درست نوشته شده‌ی
مسعود احمدیان می‌آید. اما با این همه کارگردانی اثر
چند پله بالاتر از فیلمنامه آن است به دلیل دو ضعف
بزرگ در فیلمنامه. اول آنکه نحوه گرفتن «وحید
افراخته» - که اعترافاتش محور اصلی فیلم است - به
سردستی ترین و حتی غیرمنطقی ترین حالت ممکن
پرداخت شده است. اینکه پلیس حتی یک نشانه
کوچک از قاتل دو امریکایی کشف نکرده و حالا قرار
است در کل شهر / کشور چرخ بزند و همه مشکوکین -
مشکوک بر اساس چه مبنا و نشانه‌ای؟ - را دستگیر
کند و خیلی سریع هم بطور اتفاقی در خیابان به
اصلی ترین گزینه می‌رسد. و دیگری پایان بندی
غیرمنطقی فیلم. صحنه پایانی را می‌شود با دو نگاه
دید که در هر دو حالت غلط است. اول آنکه پلیس نیاز
داشته با تعقیب شخصیتی که هانیه توسلی ایفاگر آن
است به مخفگاه تقی شهرام برسد که خب پس چطور
قبل از رسیدن خود او در محل حاضر است؟ و دیگری
اینکه پلیس برای رو شدن دست امیر فخرآ - پلیس
جوان - می‌خواسته او را در کنار منافق فراری دستگیر
کند و خب پس چرا شب به خانه او نریخته؟

فیلمنامه

خوش‌شانسی ساواک!

امیر امیلی

کارگردانی |

نه در فیلم اول خود «دهلیز» و نه حالا در «سیانور»، بهروز شعبی برای نمایش توان کارگردانی خود، دست به «کار خاصی» نمی‌زند. انگار مثل ما نشسته و وقایع فیلمنامه را درست مانند یک تماشاگر عادی، دنبال می‌کند. نه حرکت دوربین عجیبی، نه ریتم غریبی، و نه حتی زاویه‌ای که اندک توجهی را به خود جلب کند (جز یکی دو مورد استثناء مثل پلان ورود به زندان در شب اعدام افراخته و صمدیه لباف). چنین به نظر می‌رسد که شعبی هم از آن دسته فیلمسازان معدودی ست که راه دیده شدن خود را در «دیده نشدن» کارش، یا به عبارت بهتر در «به چشم نیامدن» کارش می‌داند، که اگرچه تصمیم درستی است، اما زمانی عیار و اعتبار آن بیشتر روشن خواهد شد که پای فیلمنامه‌ای در میان باشد که هر کارگردانی را به جلوه‌گری وسوسه کند. دهلیز و سیانور هر دو به اجرایی ساده و بدون لکنت نیاز دارند، و شعبی هم می‌داند که در خدمت فیلمنامه بودن، بزرگترین قدرتی است که یک کارگردان می‌تواند داشته‌باشد. بنابراین بدون آنکه در سیانور سکانس و صحنه‌ای را کارگردانی کرده باشد که کسی را مسحور قدرت خود کند و در ذهن‌ها «بماند»، بیش از اکثر هم‌سلانش در «ماندگار» بودن محصول نهایی فیلم خود موفق بوده است. در نهایت باید به این نکته هم اشاره کرد که بخشی از نمره‌ی قبولی شعبی در سیانور، به فضاسازی‌های دقیق و زنده‌ی فیلم بر می‌گردد که سهم طراح صحنه و فیلم‌بردار اثر در دستیابی به آن غیر قابل انکار است.

۵

عادی رفتار کن!

اعلی جعفرآبادی |

در اوضاعی که اکثر فیلم‌های سینمای ایران به «عشق ممنوع» می‌پردازند، «سیانور» روایت ممنوعیت عشق است. اعضای دو سازمان به ظاهر متضاد - یعنی سازمان مجاهدین خلق و سازمان امنیتی نظامی شاهنشاهی - به دلیل عشق ورزیدن، مورد اتهام و نهایتاً محکوم به مرگ می‌شوند؛ مرگی عاشقانه و یدئولوژیک. بهروز شعبانی که نشان داده تبحر خاصی در دراماتیک‌سازی نماهای سینمایی دارد، در سیانور هم با همراهی یک تیم موفق در زمینه طراحی صحنه و لباس و البته یک موسیقی متن مناسب، ضمن تداعی فضای سال‌های پیش از انقلاب زمینه را برای تولید یک ملودرام تاریخی با پس‌زمینه‌های عاشقانه عامه‌پسند فراهم کرده است. ژانر عاشقانه سیاسی که بر بستر واقعیت‌های تاریخی بنا شده باشد، از جمله جنس‌های نایاب در سینمای ایران است که شعبانی توانسته در سیانور تا اندازه‌ای دین خود به این سینما را ادا کند. البته باید توجه داشت که لزوم تعهد به اسناد تاریخی و روایت در بستر واقعیات سبب شده تا کمی دست کارگردان برای باز کردن فضای عاشقانه در داستان و افزودن به مایه‌های ملودرام فیلمنامه بسته باشد. با این حال، سیانور توانسته روایت ممنوعیت عشق در ساختارهای بسته و خشک سیاسی و امنیتی را به نحوی به روی پرده سینما بکشد؛ تا جایی که برخی از سکانس‌ها، اشک را از چشمان مخاطب جاری کند.

ممنوعیت عشق

مهدی خانعلی‌زاده

هفتراه

پوستر

معمولی. این شاید بهترین تعریف از پوستری باشد که معرفی کننده «سیانور» به مخاطب است. ایده پوستر معمولی ست: ساده، بی هیچ پیچیدگی خاصی. طراح در اجرای این ایده تلاش کرده لحنی متناسب با فضای موجود در فیلم - میانه‌های دهه ۵۰ - ایجاد کند که تا حدودی موفق بوده است. لوگوی فیلم و فونت استفاده شده برای معرفی عوامل متناسب است و شاید بتوان تنها نقطه قوت پوستر را لوگوی آن دانست. عکس بازیگران چیده شده روی میز، عینک، سیگار، جعبه کبریت، سیانور و تفنگ در دست زن، همه و همه عناصری هستند که قرار است برای مخاطب جذابیت و کششی ایجاد کند تا به تماشای فیلم بنشیند، اما به جز یکی دو مورد، نقش پر کردن فضای روی میز و پوستر را دارند. شاید هنوز کسانی باشند که به خاطر چهره بازیگر یا بازیگرانی به سینما بروند، اما این موضوع، غالب نیست. ضمن اینکه در پوستر «سیانور» چیدمان بازیگران متناسب با شخصیت‌های داستان نیست و بزرگی و کوچکی شان به لحاظ معروفیت چهره‌شان در نظر گرفته شده. هیچ ترتیب خاصی برای چیدمان این عکس‌ها در نظر گرفته نشده رنگ زرد چرک پس زمینه پوستر چندان مستحکم نیست و نمی‌تواند تعلیق و جذابیت ایجاد کند.

مهدی هاشمی، هانیه توسلی، پدram شریفی، بابک حمیدیان، حامد کمیلی، پردوش طباطبایی، رضا مولایی
و با حضور آتیلا پسیانی

سیانور



زردی من از تو

مهیار مجد